۵۰۰ سال جانفشانی آذربایجانی‌ها برای یکپارچگی ایران

از ایستادگی در برابر عثمانی‌ها تا شهادت در مصاف با بعثی‌ها

کلنل پسیان

شهید حسن باقری

شهید حمید باکری

شهید مهدی باکری

شیخ محمد خیابانی

باقر خان

ستارخان

میرزا علی ثقة الاسلام

جواد نوائیان رودسری – آذربایجان، یکی از ایرانی‌ترین بخش‌های فلات ایران است؛ سرزمینی که در تاریخ ملت ما، به خاطر حضور و حماسه‌سازی مردان بزرگ، همواره سربلند و سرافراز بوده است. طُرفه این جاست که این مهد آزاده‌پرور، در طول تاریخ چندهزار ساله خود، همیشه سدی نفوذناپذیر در برابر هجوم بیگانگان بوده است و آن را نماد غیرت و شرف ایرانیان دانسته‌اند. آذربایجان، در دوران پیش از اسلام، دژ تسخیرناپذیر ایران در برابر هجوم رومیان بود و شرنگ تلخ شکست را در کام متجاوزانی می‌ریخت که گمان می‌کردند می‌توانند آن را از سرزمین مادری‌اش جدا کنند.

■ **یاوه‌هایی که بی‌سابقه نیست**

در دوره اسلامی و به‌ویژه پس از تشکیل سلسله صفوی که به باور مورخان، ملیت ایرانی را در پرتو اسلام، حیاتی دوباره بخشید و به احیای هویت نیاکان مؤمن و خردمند ما، از پس سال‌ها هجمه و غارتگری مغولان و تیموریان، مبادرت ورزید، آذربایجان، قلب تپنده ایران و نقطه ثقل و قوت سرزمین مادری بوده است. در آن زمان هم، شباهت زبان و لهجه رایج مردم این خطه با اقوام ساکن در آناتولی، توهم تسلط و اشغال این سرزمین را در ذهن بیمار سلاطین عثمانی انداخت؛ اما با وجود هجوم‌های گاه‌به‌گاه، آذربایجان تن به سلطه بیگانه نداد و پیوند استوارش با ملک ایران‌زمین، دشمن را به آن سوی مرزها تاراند. این که این روزها، آقای اردوغان، با شیطنت‌هایی که رنگ سیاسی دارد، درصدد است تا هویت ایرانی آذربایجان را انکار کند، در تاریخ ما بدون سابقه نیست؛ پیش از اردوغان، سلیم و سلیمان و مراد، سلاطین مقتدر عثمانی هم نتوانستند از این یاوه‌گویی طرفی ببندند و حریف سپاهیان سلحشور ایران شوند؛ قزلباشانی که عموماً زاده خاک پاک آذربایجان بودند.

■ **آذربایجان؛ هویت ایران**

آذربایجان سرزمینی است که صدر تا ذیل آن، با خون جوانانی که برای پاسداری از ایران، پا به معرکه مبارزه با اجنبی گذاشتند، گلگون است. هنوز هم، یادمان چالدران، یادگار آن نبرد پرحماسه، پیش روی هر ایرانی غیرتمند قرار دارد و آرامگاه شهدای آن نبرد در اردبیل که پاره‌های تن فرزندان آذربایجانی ایران را در خود جای داده، باقی است. هر ایرانی، اگر بخواهد هویت خویش را جست‌وجو کند و به دنبال واکاوی تاریخ پرشکوه خود باشد، باید از جاده آذربایجان بگذرد. به یاد بیاورد که چگونه در سال ۸۸۰ خورشیدی، سنگ بنای ایران متحد، پس از سال‌ها کشتار و غارت، در شهر تبریز و به کف با کفایت اسماعیل یکم گذاشته شد. به یاد بیاورد که وقتی از بکان از شرق و عثمانی‌ها از غرب به ایران بزرگ تاختند، چگونه فرزندان این خطه سلحشورپرور، مردانه ایستادند و در کنار همه مردم ایران، از خود حماسه‌های جاودانه خلق کردند. به یاد بیاورد که آذربایجانی‌ها، در ایلغار عثمانی و روس، اشعار حکیم توس را در میدان نبرد زمزمه می‌کردند و شاهنامه فردوسی برای آن‌ها، منشور میهن‌دوستی و غیرت و شرف بود؛ هرچند که به ظاهر، زبانی که با آن تکلم می‌کردند، با کلام فردوسی بزرگ تفاوت داشت؛ اما چه باک که پیوند با خاک را زبان تعیین نمی‌کند؛ این ریشه کهن و این هویت پاینده را نمی‌توان با غرغره چند شعار بی‌مسما انکار کرد.

■ **صلای ایرانی بودن در آذربایجان**

دوره قاجاریه، اما، برای ایرانیان اهل آذربایجان، مبدل به عصر تلخکامی و فراق شد. هجوم جاله‌های روس و بی‌کفایتی دربار فتحعلی‌شاه، داغ جدایی ۱۷ شهر قفقاز را تا ابد بر دل ایران گذاشت. در آن سال‌ها، آذربایجان یکپارچه در برابر خصم خروشید و چون بسیاری از اهالی‌اش، سیطره بیگانه را بر خاک اجدادی مشاهده کردند، تن به هجرت دادند و خود را به اراضی جنوبی ارس رساندند تا در مُلک اجدادی زندگی کنند و بمیرند. مهاجرانی که بعد از دو قرارداد ننگین گلستان و ترکمانچای، به جنوب ارس آمدند و صلای ایرانی بودن سر دادند و نام ایرانی بر فرزندانشان نهادند، بزرگ‌ترین سند آذربایجان را جز در پرتو عظمت ایران نمی‌جست.

آذربایجانی‌ها هر جا که رفتند و در هر کوی که ساکن شدند، صلای وطن‌دوستی و ایران‌خواهی سر دادند؛ در مشهد و در آن کارزار نفس‌گیر عصر مشروطه، این آذربایجانی‌های مهاجر بودند که یکپارچه صلای آزادی ایران را سر دادند و میرزا علی آقای مجتهد تبریزی، ساکن مشهد و زاده آذربایجان، نخستین نماینده منتخب مردم مشهد در اولین مجلس شورای ملی بود. در این جا باید از کلنل محمدتقی خان پسیان هم یاد کنیم؛ شیر مرد خطه آذربایجان و از دودمان ریشه‌دار پسیان که ساکن تبریز ند و مفتخر به تابعیت ایران؛ نخستین خلبان ایرانی و از معدود رزم‌آوران غیور و وطن‌خواه این مرز و بوم که در برابر فوج دشمنان، در ماجرای حمله روسیه تزاری به شهر همدان و پس از قرارداد ۱۹۰۷، ایستاد و برای تهییج سربازان خود، به اشعار حماسی حکیم توس متوسل می‌شد و بیتی ماندگار از فرخی سیستانی، شاعر نامدار ایرانی قرن چهارم هجری را زیر لب زمزمه می‌کرد: «یا ما سر خصم را بکوبیم به سنگ / یا او سَرِ ما به دار سازد آونگ».

■ **پرچمی که همچنان بالاست**

اما قصه وطن‌دوستی و ایران‌خواهی آذربایجان و مردمان غیورش، به این جا ختم نمی‌شود؛ کافی است تاریخ ۵۰ سال اخیر را مرور کنیم؛ کافی است مدعیان ایران‌دوستی در آن سوی آب که سرزمین مادری را در بند استعمار و استکبار می‌خواهند، نام‌هایی را مرور کنند که تا جهان باقی و نام ایران است، فخر هر ایرانی‌اند و سزاوار ستایش و تکریم؛ مهدی باکری، آن اَبَرمرد ایران، سردار سلحشور میدان جهاد؛ او که پیکرش را آب‌های خروشان اروند در آغوش گرفت و یادش بر تارک تاریخ این مرز و بوم باقی ماند یا برادرش، حمید باکری یا حسن باقری، او که با هوش و ذکاوتش، کلید فتح خرمشهر را به دست آورد و آن شهر در خون تپیده را به مام میهن باز گرداند یا قاسم علی ظهیرنژاد، آن شیر شرزه که نامش بر پیکر دشمن لرزه می‌افکند و تا پای جان در دفاع از ناموس وطن ایستاد یا جواد فکوری، شیر بچه تبریزی، فرمانده نیروی هوایی ایران که ضرب‌شست او و همرزمانش در عملیات مشهور «کمان ۹۹»، اولین پاسخ قاطع به هجوم دشمن بعثی بود و عملیات «اچ-۳»، با طراحی آن‌ها، شکوه و اقتدار نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران را به رخ همه بدخواهان کشید. واژه‌ها قاصرند از آن که قهرمانانی چنین پرآوازه را توصیف کنند؛ قهرمانان ایران، فرزندان این خطه سلحشورپرور، زادگان آذربایجان؛ درود خداوند بر همه آن‌ها و شهدای بزرگ راه دین و میهن باد؛ شهدایی که مردمان خطه آذربایجان، رهروان نیکوخصال آن‌ها هستند.

یادمان جنگ چالدران در آذربایجان

حمله به بیمارستان امام رضا(ع)؛ پایان کار رژیم پهلوی در مشهد

مناسبت

یکی از جنایات غیرقابل بخشش رژیم پهلوی در مشهد، هجوم عوامل این رژیم به بیمارستان امام رضا(ع)، در روز ۲۳ آذرماه سال ۱۳۵۷ بود؛ اقدامی که در پی تحصن پزشکان و کادر درمانی در بیمارستان ۱۷ شهریور صورت گرفت. رژیم ابتدا می‌خواست که این اقدام را نوعی مقاومت خودجوش مردمی در برابر انقلابیون جلوه دهد! تعدادی از اراذل و اوباش سردمدار این اقدام جنایتکارانه بودند؛ آن‌ها، ساعت ۱۰ و ۳۰ دقیقه صبح، از در جنوبی بیمارستان که در حاشیه خیابان بهار مشهد قرار داشت، با هیاهوی بسیار وارد بیمارستان شدند و با هجوم به بخش اطفال که نخستین ساختمان در مسیر حرکت آن‌ها بود، فاجعه به بار آوردند. با این حال، مقاومت کادر درمانی در ضلع شمالی بیمارستان، باعث شد که نیروهای نظامی، وارد معرکه شوند و گلوله‌باران بیمارستان آغاز شود. در همین گیرودار بود که یکی از عوامل اداری بیمارستان به شهادت رسید و تعداد زیادی از حاضران زخمی شدند. واقعه بیمارستان امام رضا(ع)، واکنش مردم انقلابی مشهد را در پی داشت. به دنبال انتشار خبر جنایت، در شهر مشهد، آیت‌ا... خامنه‌ای به همراه جمعی از روحانیون و شخصیت‌های انقلابی و با وجود هشدارهایی که وجود داشت، به سمت بیمارستان حرکت کردند. این اقدام، باعث شد که تعداد معتنابهی از مردم مشهد نیز، خود را به میدان روبه‌روی بیمارستان برسانند. به این ترتیب، به مدت دو هفته، بیمارستان امام رضا(ع) به قلب تپنده انقلاب در مشهد تبدیل شد. اطراف میدان، نمایشگاه‌های بزرگ عکس و کتاب انقلابی برپا کردند و کنترل این منطقه، عملاً از دست عوامل رژیم پهلوی خارج شد. این اقدام بسیار مهم، مقدمه‌ای برای دو قیام سرنوشت‌ساز در مشهد، طی روزهای نهم و دهم دی‌ماه سال ۱۳۵۷ شد؛ قیام‌هایی که کار رژیم پهلوی را در مشهد یکسره کرد. به باور بسیاری از انقلابیون مشهد، پس از ماجرای دهم دی، مشهد کاملاً در اختیار مردم قرار گرفت.

نفوذ فرهنگی با «درشکه» و «دلیجان»!

تاریخ اجتماعی

حدود ۶۷ سال از زمانی که شرکت واحد اتوبوسرانی در تهران، به سال ۱۳۳۲ تأسیس شد، می‌گذرد. البته قدمت تاکسی و تاکسیرانی در ایران، کمی بیشتر است. اما زمانی که هنوز خبری از «اُتول» نبود و ایرانی‌ها از اسب و دیگر چهارپایان برای جابه‌جایی مسافر و کالا استفاده می‌کردند، فناوری‌های مربوط به این بخش، به‌تدریج و از کشورهای غربی وارد ایران و تحول در این عرصه آغاز شد؛ بنابراین، اگر قرار باشد درباره تاریخچه حمل و نقل عمومی در ایران صحبت کنیم، باید عمق تاریخی مطالعه خود را تغییر دهیم و دست‌کم از سال ۱۲۳۰ خورشیدی به این طرف را لحاظ کنیم؛ سالی که با تشویق امیرکبیر، کارخانه‌های ساخت کالسکه در تهران و اصفهان افتتاح شد و مردم کم‌کم از این وسیله و مانند آن، برای حمل و نقل عمومی استفاده کردند. با این حال، بعد از شهادت امیرکبیر، رویکرد حکومت قاجار در این عرصه، عموماً به سمت واردات رفت و در پی آن، از واژگان غربی نیز در این زمینه، بیشتر استفاده می‌شد. جالب این جاست که امروزه بسیاری از ما گمان می‌کنیم، واژه‌هایی را که به کار می‌بریم، ایرانی هستند و ربطی به غربی‌ها ندارند؛ اما خوب است بدانیم که واژه «درشکه» از کلمه «داروژکی» که واژه‌ای روسی است، گرفته شد؛ وسیله‌ای که مخصوص حمل دو نفر بود و بیشتر برای جابه‌جایی کالا از آن استفاده می‌شد. واژه «دلیجان»، از کلمه «دلیژانس» که واژه‌ای فرانسوی است، اخذ شد و مخصوص حمل هشت نفر بود. حمل و نقل عمومی ایران تا سال ۱۲۵۷ خورشیدی و تأسیس شرکت راه‌آهن و ترامواى ایران به وسیله بلژیکی‌ها، با همین وضعیت به کار خود ادامه داد.

فراخوان عمومی ارزیابی کیفی شرکتهای مرتبط با آزمایشگاه آنالیز خوراک دام و شیر
(نوبت اول) سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی

سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی درنظر دارد مدیریت امور اجرایی آزمایشگاه های خود را به شرح جدول ذیل حسب مجوز شماره ۲۰۰/۹۶/۱۸۶۴۶ مورخه ۹۶/۰۵/۱۷ از طریق ارزیابی و تشخیص صلاحیت به بخش غیردولتی در قالب قرارداد مشارکت واگذار کند. لذا از شرکت های مرتبط دعوت می شود جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ ۹۹/۰۹/۲۳ لغایت ۹۹/۰۹/۲۹ به همراه معرفینامه با مهر شرکت در ساعات اداری به آدرس مشهدمقدس، تقاطع بلوار خیام فردوسی سازمان جهادکشاورزی طبقه ششم اتاق ۶۰۵ یا پایگاه ملی مناقصات کشور به آدرس http://iets.mporg.ir مراجعه نمایند.

تلفنهای تماس: ۳۷۰۱۶۶۰۵ و ۳۷۰۱۶۶۰۶

موضوع	شماره مزایده	روش واگذاری
مدیریت امور اجرایی آزمایشگاه شیر	۹۹/۱۰	قرارداد مشارکت همراه با ارزیابی کیفی توان اجرای کار
مدیریت امور اجرایی آزمایشگاه خوراک دام	۹۹/۰۹	

هزینه درج آگهی به عهده برنده مزایده می باشد.

سازمان جهادکشاورزی خراسان رضوی

د/۹۹۰۶۹۴۴۷

« آگهی صورت تقسیم وجوه حاصله»

در اجرای مواد ۵۴ و ۵۸ آئین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی، صورت تقسیم موقت نوبت اول مربوط به پرونده شرکت مهندسی عمرانی سازند آب شرق به شماره ثبت ۱۶۴۳۲ تهیه و تنظیم و در اداره تصفیه موجود است . به عموم بستانکاران شرکت مزبور اعلام می‌گردد: چنانچه به صورت مذکور اعتراضی دارند ظرف ۱۰ روز از تاریخ انتشار آگهی اعتراض خود را به دفتر شعبه ۳۵ دادگاه عمومی مشهد (دادگاه صادر کننده حکم توقف) تسلیم نمایند.

احمدعلی طاهرزاده
رییس اداره تصفیه امور ورشکستگی مشهد و مستشار دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی

م/۹۹۰۶۹۱۶۳

ت/۹۹۰۶۹۴۲۷